

براساس شاخص‌های بانک جهانی تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب

حمیدرضا برادران شرکاء*

سعید ملک‌الساداتی**

چکیده

این پژوهش به بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی، در نمونه‌ای مشتمل بر ۳۰ کشور و برای دوره زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۵ می‌پردازد. حکمرانی خوب مفهوم بسیار گسترده‌ای را دربرمی‌گیرد که ناظر بر تعامل مؤثر میان سه رکن دولت، بازار و نهادهای مدنی است. اما از آنجا که دولت در تدارک و حمایت از نهادهای حامی بازار و تقویت‌کننده مشارکت بخش خصوصی نقش کلیدی و قابل ملاحظه دارد، این مطالعه نگاه خود را صرفاً بر نهاد دولت متمرکز ساخته و ضمن ترسیم ویژگی‌های دولت مورد نظر در تئوری حکمرانی خوب، به بررسی تأثیر هر یک از این ویژگی‌ها بر رشد اقتصادی می‌پردازد. در انتخاب معیارهای قابل سنجش برای نمایش ویژگی‌های این دولت تکامل یافته، از شش شاخص تهیه شده توسط مؤسسه بانک جهانی شامل شاخص حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، شاخص ثبات سیاسی، شاخص اثربخشی دولت، شاخص کیفیت قوانین و مقررات، شاخص حاکمیت قانون و شاخص کنترل فساد که ذیل سه گروه جای می‌گیرند، استفاده شده است. در بخش تجربی ارتباط این سه گروه شاخص‌ها با رشد اقتصادی در قالب یک مدل رشد درون‌زا و با استفاده از روش داده‌های تابلویی مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که نه تنها حکمرانی خوب براساس میانگین موزون شش شاخص حکمرانی تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد بلکه علاوه بر آن هر یک از سه گروه مؤلفه‌های حکمرانی خوب نیز تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارند.

کلیدواژه‌ها

حکمرانی خوب، شاخص‌های حکمرانی خوب، رشد اقتصادی، داده‌های تابلویی.